

مستند عبری خبرگزاری تسنیم با واکنش منفعلانه و عصبی سرویس های امنیتی و نظامی رژیم صهیونی مواجه شد

مستندی که اسرائیل را به هم ریخت

احساس خطر هم کرده‌اند؛ چراکه رسانه‌های عبری از زمان انتشار تاکنون به این موضوع تأکید داشته‌اند که انتشار این مستند «نشانه‌ای از تغییر راهبرد ایران بعد از جنگ ۱۲ روزه برای اثرگذاری بر افکار عمومی سرزمین‌های اشغالی است.»

یا با ما هستید یا سانسور می‌شوید

باین حال حذف این مستند از پلتفرم «یوتیوب» که صراحتاً بر مشی اداره‌سانسور رژیم است، چندان عجیب و غیرقابل‌پیش‌بینی نبود. صهیونیست‌ها برای ندادم قرارداد با سکوهای مجازی می‌زنند هر زینه‌های هنگفت می‌پردازند. پیش‌ازاین سایت Drop Site News گفته بود گوگل قراردادش ماهه ۴۵ میلیون دلاری را با دفتر نتانیاو امضا کرده که با ایجاد کارزارهای تبلیغاتی در گوگل و یوتیوب، وجود قحطی در غزه را انکار و جنگ اسرائیل علیه فلسطینی‌ها را توجیه کند.
میدل‌ایست‌آی هم می‌گوید شرکت گوگل نزدیک به ۷۰۰ ویدئو را که حاوی جنایات اسرائیل بوده، حذف کرده است. با این تفاسیر، سانسور صهیونیست‌ها با سرعت بیشتری ادامه دارد و آن‌ها به جنگ هر پلتفرم و محتوایی می‌روند که چهره‌ای واقعی نزادپرست یا شکست‌خورده آنها را به نمایش بگذارد و سندی از جنایات آنها در تاریخ ثبت کند.

ضدحمله به پروپاگاندا ی صهیونی

در کنار سانسورها، صهیونیست‌ها تلاش می‌کنند جو غالب را در شبکه‌های اجتماعی در دست بگیرند. در یک کلام صهیونیست‌ها کنشگری در شبکه‌های مجازی را دست‌کم نمی‌گیرند. صهیونیست‌ها سراسر مایه‌گذاری میلیون‌دلاری پروژه «استر» را برای اثرگذاری بر افکار عمومی جهان پیش می‌برند. گفته می‌شود آنها



چند سالی می‌شود صهیونیست‌ها با سوء استفاده از ابزار رسانه به دنبال اثرگذاری روی افکار عمومی جامعه ایران هستند و رسانه را تبدیل به یکی از ابزارها برای جنگ با ایران کرده‌اند که شاید نقطه شروع این جنگ رسانه‌ای پاییز ۱۴۰۱ بود و نقطه اوج این سوء استفاده در جنگ ۱۲ روزه دیده شد. آنچه رخ داد، این بود که رسانه‌های فارسی‌زبان صهیونیستی عملاً به کمک متجاوزان صهیونی آمدند. این جنگ البته هنوز به اتمام نرسیده؛ اما بهترین اقدام برای پاسخ به این جنگ روانی و اصطلاحاً ضدحمله‌زدن به دستکاری‌های افکار عموم را جانب اسرائیل، خشنی کردن تله‌های رسانه‌ای آنها و در گام بعدی نیز پاسخ دادن به این دستکاری هاست که یکی از موارد، برنامه‌ریزی عملی و تولید محتوا، برای افکار عمومی در سرزمین‌های اشغالی است. در همین راستا سایت عبری‌زبان تسنیم به تازگی مستندی ۲۶ دقیقه‌ای به زبان عبری در مورد عملیات ایران علیه زیرساخت‌های انرژی اسرائیل منتشر کرده که اولین مستند ایرانی به زبان عبری در مورد جنگ ایران و اسرائیل به شمار می‌رود؛ اما همان طور که انتظار می‌رفت، دقایقی بعد از انتشار این مستند، یوتیوب این ویدئو را حذف کرد و در گام بعد هم رسانه‌های عبری‌زبان خبر تولید این مستند را پوشش دادند. در آخرین مورد شبکه ۱۴ اسرائیل که نزدیک‌ترین شبکه به بنیامین نتانیاو هست، گزارش مفصلی در مورد این مستند منتشر کرد. سانسور گسترده مستند «موشک‌ها بر فراز بازان» و همچنین واکنش ارتش اسرائیل نشان داد صهیونیست‌ها به‌خوبی پیام انتشار این مستند را دریافت کرده و البته

مدیر سرویس سیاسی خبرگزاری تسنیم:

بازوی رسانه‌ای علیه صهیونیسم با شناخت مخاطب به کار گرفته می‌شود

باشد که به نظر بازتاب‌های خوبی داشت. از جمله این بازتاب‌ها این موارد بود.
۱- خود حذف این مستند طرف چندساعت نشان می‌دهد که این مسئله مهم و اثرگذار است که آن‌ها به سرعت اقدام به حذف آن کرده‌اند. البته هاست‌که اسرائیلی‌ها با کمک آمریکایی‌ها پول خرج می‌کنند که در شبکه‌های مجازی محتواهای ضداسرائیلی تا جای ممکن حذف شود. برای مثال در اینستاگرام دیده می‌شود بسیاری از محتواها حذف می‌شوند. این حذف کردن‌ها خود نشان‌دهنده این است که این محتواها اثرگذارند و آن‌ها می‌ترسند جامعه‌اسرائیل با این موضوعات مواجه شود و البته ملت‌های دیگر هم با آن‌ها همراه شوند، آن‌هم در شرایطی که فضای ضداسرائیلی بسیار سنگین است.

۲- نکته دیگر واکنش‌های رسانه‌ای است که داشتند. برای مثال شبکه ۱۴ اسرائیل پنجشنبه شب گزارشی در این مورد منتشر کرد. شبکه ۱۴ شبکه‌ای نزدیک به نتانیاو هست و به جناح راست‌گرا متعلق است هم روی این مستند کار کرد و گفت یکی از تبلیغاتی است که جمهوری اسلامی انجام می‌دهد که بتواند با مخاطبان عبری ارتباط داشته باشد. چندین سایت و رسانه حتی خبرنگارها و فعالان فضای مجازی هم به این موضوع پرداخته بودند. این موضوع نشان می‌دهد این اقدام‌ها می‌تواند اثرگذار باشد، علی‌رغم محدودیت‌هایی که برای این گونه اقدامات ایجاد می‌شود.»

از رسانه به عنوان ابزار قدرت استفاده کنیم

اثرگذاری متقابل روی افکار عمومی سرزمین‌های اشغالی در شرایطی که صهیونیست‌ها به دستکاری افکار عمومی جامعه ایران مشغولند، در سال‌های گذشته چندان جدی گرفته نشده؛ اما ساخت این مستند را می‌توان گامی ابتدایی برای پاسخ به این جنگ روانی دانست. بختیاری در این مورد توضیح داد: «در سیستم رسانه‌ای کشور ما این امر سابقه‌دار است که از رسانه به‌عنوان ابزار قدرت استفاده نمی‌کنیم. امروز نمی‌شود گفت که رسانه‌ها فقط وظیفه اطلاع‌رسانی دارند. برای مثال وقتی به کشور قطر نگاه می‌کنیم، علی‌رغم توانمندی‌های سیاسی و دیپلماتیکی که دارد یکی از اصلی‌ترین وجوه قدرتش شبکه الجزیره است که تأثیر آن را می‌بینیم. دولت قطر از چنین ابزاری استفاده می‌کند که نسبت به همه کشورهای هم‌تراز، او را یک‌سر و گردن بالا نگه می‌دارد.

در غرب نیز همین‌طور است. معمولاً در مکان‌هایی که قرار نیست عملیات نظامی انجام شود عمده بار روی دوش رسانه‌هاست. متأسفانه سال‌هاست در کشورمان از این موضوع غافل بودیم. متأسفانه وقتی در کشورتان می‌جنگید این جنگ فقط در ابعاد نظامی نیست؛ و باید در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هم اثرگذار باشد. همان اقدامی که آن‌ها سال‌هاست با ما انجام می‌دهند. برای مثال انواع شبکه‌های فارسی‌زبانی که در سال‌های اخیر، کار کردند از صدای آمریکایی‌بی‌سی فارسی و منوتو و اینترنشنال هنرینه‌های سنگینی می‌کنند و هیچ‌کس این هزینه را بی خود انجام نمی‌دهد. این نشان می‌دهد آن‌ها دنبال اثرگذاری روی جامعه ایرانی هستند که متأسفانه در برخی مواقع اثر خود را می‌گذارد؛ اما ما هیچ‌وقت این اقدام را انجام ندادیم. به‌خصوص در مورد اسرائیل، تابوهای بوده و هنوز هم وجود دارد که باعث می‌شود رسانه‌های ما به این سمت روند. برای مثال در سال‌های اخیر با دوستانمان

مستند عبری خبرگزاری تسنیم با واکنش منفعلانه و عصبی سرویس های امنیتی و نظامی رژیم صهیونی مواجه شد

در این پروژه، برای انتشار هر پست در تیک‌تاک و اینستاگرام رقمی معادل ۶۱۰۰ تا ۷۳۰۰ دلار پرداخت می‌کنند. تمام این پروژه‌ها برای ترمیم چهره صهیونیست‌ها در جهان و البته مدیریت افکار عمومی در سرزمین‌های اشغالی دنبال می‌شود. این پروپاگاندا رسانه‌ای نه فقط علیه افکار عمومی جهان، بلکه به کمک رسانه‌های فارسی‌زبان علیه افکار عمومی مردم ایران هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما ایران برای اولین‌بار پاسخی جدی و عملی به این دستکاری روانی افکار عمومی داد و ناگفته‌هایی در باره یکی از شکست‌های بزرگ اسرائیل در جریان جنگ ۱۲ روزه را منتشر کرد. انتشار این مستند که البته ساعتی پس از انتشار توسط یوتیوب حذف شد، واکنش گسترده‌ای در رسانه‌های عبری به همراه داشت.

وب‌سایت اسرائیل نشنال‌نیوز انتشار مستند «موشک بر فراز بازان» را جنگ تبلیغاتی علیه اسرائیل دانست و اقدام این رسانه را «رویکرد جدیدی در پوشش رسانه‌ای ایران در مورد اسرائیل» دانست. شبکه ۱۴ اسرائیل که به‌نوعی بازوی رسانه‌ای نتانیاو به‌شمار می‌رود، در گزارشی مفصل به این مستند پرداخت و این شبکه هم مستند را جنگ تبلیغاتی ایران علیه رژیم دانست. علاوه بر رسانه‌های عبری، رسانه‌های انگلیسی و روسی هم ماجرای انتشار این مستند را پوشش دادند. خبرگزاری انگلیسی‌زبان عصر اسرائیل و همچنین خبرگزاری روس‌زبان کرسر هم رسانه‌هایی بودند که خبر انتشار این مستند را پوشش دادند. ماجرا آن‌قدر برای صهیونیست‌ها مهم بود که ارتش اسرائیل نیز به انتشار این مستند واکنش نشان داد و در پی‌امی در ایکس ششمش از انتشار این مستند را «با محکوم کردن نظام حکمرانی ایران و محکوم کردن مستند به دروغ‌گویی» نشان داد. مجموع این واکنش نشان می‌دهد، راهبرد جدیدی که برای اثرگذاری بر افکار عمومی اسرائیل اتخاذ شده، مسیر درستی است که می‌تواند شکست‌سخت‌دیگری برای اسرائیلی‌ها به همراه داشته باشد و نگرانی‌های آنها نیز به همین منظور است.

به‌خاطر دغدغه‌ای که داشتیم به سراغ ترجمه کتاب‌های خاطرات سران اسرائیل رفتیم که چاپ این کتاب‌ها در اسرائیل ممنوع است و اجازه انتشار نمی‌دهند. در یک مورد هم که خاطرات گلدما مایر منتشر شد، تعداد آن معدود بود و بعد جلوی انتشار آن گرفته‌شد. ولی ما هنوز به این نگاه نرسیدیم که اگر می‌خواهیم با دشمنی بجنگیم باید او را دقیقاً آن‌طور که هست بشناسیم و نکته دیگر آن‌که باید بتوانیم با بخشی از جامعه صحبت کنیم و این به این معنا نیست که ما آن‌ها را به رسمیت می‌شناسیم و برای آن‌ها حق قائلیم، ولی واقعیتی وجود دارند باید با آنها ارتباط بگیریم و پیام‌های خودتان را به آن‌ها منتقل کنید. این پیام‌ها می‌تواند در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی باشد که ما چنین چیزی را ندانستیم. اما در دو سه سال اخیر، فضای راه‌اندازی صفحات عبری در برخی رسانه‌ها باب شده است. اصل آن خوب است؛ اما بدی آن این است که در مواردی به بدترین شکل انجام می‌شود. مثل استفاده از افرادی که مترجم نیستند و به‌نوعی در برخی رسانه‌ها کلاهبرداری می‌کنند. این محتواها را که به زبان عبری منتشر می‌شود

در رسانه‌ها می‌بینم و متوجه می‌شوم که پشت سر برخی از آن‌ها روال درستی نیست و در رسانه‌های اسرائیلی مورد تمسخر قرار می‌گیرد که می‌توان مثال‌های زیادی در مورد آن زد. اصل ماجرا خوب است؛ اما باید به شکل درست اجرا شود. یک‌شکل درست این است که محصورلی می‌شود، برای مخاطب عبری زبان باشد. مشکلی که وجود دارد این است که محتوایی که منتشر می‌شود با نگاه مخاطب ایرانی است و کسی که تولید می‌کند دافقه مخاطب ایرانی را می‌شناسد و می‌خواهد با همان ذائقه برای جامعه‌ای که شناختی از آن ندارد محتوا تولید کند که این کار را مشکل می‌کند.»

باید بدانیم می‌خواهیم با چه کسانی صحبت کنیم

بختیاری در پاسخ به این سؤال که باتوجه‌به اینکه جامعه اسرائیل اساساً یک ملت نیست و بسیار شکننده است، براین اساس اثرگذاری روانی روی آن آسان‌تر است یا خیر، گفت: «نمی‌توان این‌طور گفت. ساکنان سرزمین‌های اشغالی ۱۰ میلیون انسانی که آنجا زندگی می‌کنند با ساکنان سرزمین‌های اشغالی ۵۰ سال‌پیش بسیار متفاوت هستند. امروز با ساکنانی مواجه هستیم که همان‌جا به دنیا آمدند، زندگی می‌کنند و به چشم کشورشان به آنجا نگاه می‌کنند و این‌طور نیست که یک جوان اسرائیلی از ورشو آمده باشد. پدر و پدر بزرگش از مکان‌های مختلف دنیا آمدند؛ اما نسل امروز متفاوت است. مهم است بدانیم با چه کسی می‌خواهیم صحبت کنیم. وقتی مکالمه و گفت‌وگو می‌کنید، مهم این است که فرد را بشناسید که اثرگذار باشد. اگر بخوایم با اطلاعاتی که سال‌هاست از اسرائیل داریم و به‌رور هم شنیده، پیش برویم جواب نمی‌دهد و البته مز بهاریکی بین اثرگذاری و اینکه به کار شما به چشم یک پروپاگاندا صرف نگاه کنند، وجود دارد. این موضوع را چندباری دیدم که صهیونیست‌ها در رسانه‌هایشان از دیوارنگارهای ایران صحبت می‌کنند. خب دیوارنگاره میدان فلسطین، ملت‌هاست که به‌زمان عبری هم تولید می‌شود؛ اما گاهی ایرادات و ترجمه غلط باعث می‌شود بخشی از کار زیر سوال برود. بسیار مهم است که کسانی که تولید محتوا می‌کنند علاوه بر شناخت جامعه و ذوق تولید محتوا، توانمندی‌هایشان در حوزه‌های دیگر را نیز تقویت کنند.»

فردی بخواهد از این اعتراض به حق مردم سوء استفاده کند و با سلاح سرد و قمه حتی وسط بیاید به بانک، مرکز پلیس و صداوسیما حمله کند، این غیرقابل تحمل در کشور خواهد بود. به هیچ عنوان دولت اجازه اغتشاش و ناامنی به هیچ کس نخواهد داد.»
نوبت لاید مدیریت میدانی بر برخورد با آشوب ر کار نیروهای انتظامی و امنیتی می‌داند که می‌گوید کار دولت نبود؛ اما لابد فراموش کرده که روحانی در همان سخنرانی از «وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی، سپاه پاسداران، بسیج و همه نیروهای مسلح و نیروی امنیتی» برای شناسایی و دستگیری و برخورد با آشوب‌گران تشکر می‌کند. حال بماند که رئیس‌جمهور رئیس شورای عالی امنیت ملی است، بماند که رئیس شورای امنیت کشور، وزیر کشور است و بماند که روحانی به وقش با همین تصمیم کلی فخر فروشی کرد که ما برای قشر ضعیف کار کرده‌ایم. این سو فخروشی، آن سو ما نبودیم و کار بقیه بود؟ این هم در امر مسئولیت‌پذیری دولت روحانی گویا شده ماجرای برجام. نظام و شخص رهبری البته در این تصمیم کنار دولت ایستاد و پشت او را خالی نکرد، چنانچه جهانگیری هم در کتاب خاطرات خود می‌آورد که «یکی از کمک‌های مهم رهبری در این مقطع، حمایت ایشان از دولت بود.» اما آیا این کمک‌شناسایی یک دولتمرد نیست که در نهایت کار را کلاً نابوده بگیرد و کل ماجرا را در برابر سؤالات از آن وقایع، «تصمیم نظام» بداند تا خود از مسئولیت بگریزد؟

دکتر علی اکبر ولایتی در پیامی به مناسبت

برگزاری انتخابات عراق ابراز کرد

آیندهٔ درخشان درانتظار دولت



دکتر علی اکبر ولایتی، مشاور مقام‌معمظم‌رهبری در امور بین‌الملل، در پیامی برگزاری موفق انتخابات در عراق را به دولت و مردم این کشور تبریک گفت. در این پیام آمده است:

«به مردم صبور، شجاع و مقاوم عراق، پیروزی بزرگ و بی‌سابقه در تعیین سرنوشت کشورشان و نقش آفرینی مؤثر در آینده منطقه را صمیمانه تبریک می‌گویم. عراق یکی از مهم‌ترین و قدرتمندترین کشورهای عربی و اسلامی است. این سرزمین با پیشینه‌ای بیش از پنج هزار سال، از پایه‌گذاران تمدن بشری به شمار می‌رود. تمدن باشکوه سومری‌ها که در این سرزمین شکل گرفت، یکی از نخستین نمونه‌های تمدن انسانی در تاریخ بوده است. مردم عراق نقش بسیار مهمی در شکوفایی تمدن اسلامی ایفا کردند. طی قرون متمادی، این کشور یکی از مراکز بزرگ علمی جهان اسلام بوده است. از آغاز تاریخ اسلام تاکنون، مردم عراق همواره از دوستداران و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام بوده‌اند و در این راه فداکاری‌های فراوانی از خود نشان داده‌اند.

امروز نیز حضور مبارک مرقد‌های مطهر ائمه اطهار علیهم‌السلام در این سرزمین، جلوه‌گر عمق ایمان و دلبستگی مردم عراق است و انصافاً همه اقوام و مذاهب عراق اعم از شیعه، سنی و کرد، در پاسداری از حریم اهل بیت علیهم‌السلام اهتمام ویژه‌ای دارند.

مردم شریف عراق بار دیگر نشان دادند که وارثان حقیقی آن تمدن بزرگ و آن ایمان ریشه‌دارند. برگزاری انتخاباتی پرشور، سالم و آرام در روزهای اخیر، نماد بلوغ سیاسی و اجتماعی ملت عراق است و بی‌تردید، الگویی ارزشمند در میان کشورهای منطقه به شمار می‌آید.

امید است این انتخابات تاریخی که در نوع خود در عراق بی‌نظیر بود، پیام روشنی برای دشمنان ملت عراق داشته باشد؛ مبنی بر اینکه هیچ قدرت خارجی نمی‌تواند در تعیین سرنوشت این کشور بزرگ و مهم دخالت کند. روابط ایران و عراق بر پایه اشتراکات عمیق تاریخی، فرهنگی، دینی و تمدنی استوار است؛ اشتراکاتی که میان هیچ دو کشور دیگری در منطقه یافت نمی‌شود. بی‌تردید، آینده‌ای روشن و پرفرور در انتظار همکاری‌های دو ملت برادر خواهد بود.»

شرط نخست‌وزیری آقای نخست‌وزیر

ادامه از صفحه یک

اگر ۱۷۱ کرسی مبتا قرار گیرد، حزب سودانی ۲۶ درصد از کرسی‌های شیعیان را در اختیار خواهد داشت. در مقابل، تقریباً تمام احزاب دیگر شیعی در قالب «چهارچوب هماهنگی شیعیان» فعالیت می‌کنند، همان جناحی که در انتخابات قبل سودانی را به نخست‌وزیری رساند. احزاب چهارچوب هماهنگی ۱۲۵ کرسی یا ۷۴ درصد کرسی‌های شیعیان را در اختیار دارند. مشکل سودانی اما بزرگ‌تر از این تفاوت و فاصله است؛ زیرا از بین ۴۶ یا ۴۸ کرسی او، تقریباً ۴۴ یا ۴۶ کرسی با چهارچوب هماهنگی شیعیان مشترکند. این اشتراک به دلیل حمایت هم‌زمان چهارچوب هماهنگی و حزب سودانی از آن‌ها به وجود آمده است. قطعاً تعداد قابل توجهی از آن‌ها با محاسبات سیاسی، برای انتخاب نخست‌وزیری در نهایت فعالیت در قالب چهارچوب هماهنگی را انتخاب خواهند کرد.

سودانی، صدر می‌شود یا العبادی؟

سودانی برای نخست‌وزیری کار دشواری دارد. او بیشتر از آنکه شبیه المالکی باشد که هنگام نخست‌وزیری اش انتخابات‌ها را پیروز می‌شد، به مقتدی صدر، رهبر جریان صدر و حیدر العبادی، نخست‌وزیر اسبق شهابت‌هاست. اقدام مشابه با صدر، خروج سودانی از سازوکار همیشگی بیت شیعی است که امروز در قالب «چهارچوب هماهنگی» جریان دارد. پیش‌ازاین صدر خروج از بیت شیعی را اجرایی کرد و با وجود تبدیل شدن به حزب نخست در دو انتخابات پیاپی سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۱، در نهایت نمایندگانش را مجبور به استعفا از پارلمان کرده و انتخابات ۲۰۲۵ را نیز تحریم کرد. شهابت دیگر او به العبادی است که در دوره نخست‌وزیری تصمیم گرفت از دایره تصمیمات بیت شیعی فاصله گرفته و با نزدیکی به آمریکا، دوره بعدی نخست‌وزیری خود را تضمین کند. خروجی این تصمیم کنار گذاشته شدن او توسط بیت شیعی در انتخابات ۲۰۱۸ برای تشکیل دولت بود. العبادی که عمده جنگ داعش در دوره او انجام شد و در نهایت به پیروزی عراق ختم گشت، در انتخابات سال ۲۰۱۸ با ائتلاف انتخاباتی «اپیروزی» موفق شد با کسب ۴۲ کرسی در جایگاه سسوم انتخابات قرار گیرد. او در آن دوره تنها ۴ تا ۶ کرسی کمتر از تعداد کرسی‌های کنونی سودانی کسب کرده بود. سودانی توازن انتخاباتی‌اش همانند العبادی است که محدودیت‌هایش بیشتر از امکان‌هایش هستند. اگر صدر را خروج از بیت شیعی و العبادی را نزدیکی به آمریکا از قدرت دور کرد، سودانی که هر دو را در پیش گرفته با خطر بزرگ‌تری روبه‌روست. راه پایان‌یافتن دولت او بازگشت از مسیرهایی است که در پیش گرفته است. سودانی در شرایطی که نخست‌وزیر بود با اتکا به جایگاه و امکانات ریاست‌دولت به این میزان کرسی دست‌یافت و اگر نخست‌وزیری‌اش تمدید نشود، دیگر رنگ کرسی‌های به تعداد امروز را نخواهد دید. سودانی مقتدی صدر نیست که ریشه در جریانی بسیار قدرتمند داشته باشد؛ بلکه سیاست‌مداری تقریباً مشابه با العبادی است؛ بدون نخست‌وزیری او باید با سیاست‌مداری قدرتمندتر ائتلاف کرده و در کنارش در انتخابات‌ها ظاهر شود.

فرهنگ‌نگار

فرهنگ‌نگار

شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۴

شماره ۴۵۵۷

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

